

بقلم دکتر خیامپور
ترجمه و تلخیص از مقاله آقای احمد آتش

نشریات ترکیه چند کتاب خطی مهم فارسی و عربی در کتابخانه عمومی قسطنطنیه

در بعضی از شماره های گذشته نشریه (سال سوم، ص ۱۷۳ - ۱۶۶ و سال هفتم، ص ۲۴۸ - ۲۴۱ و ۲۹۹ - ۲۸۵) چند کتاب خطی فارسی که در کتابخانههای ترکیه موجود است با ترجمه و تلخیص از بعض مقاله های فاضل ارجمند آقای احمد آتش بخوانندگان محترم نشریه معرفی کرده بودم. اکنون نیز میخواهم چند کتاب خطی دیگر را از فارسی و عربی که در کتابخانه عمومی قسطنطنیه از شهرهای شمال غربی آن طولی هست و فاضل نامبرده در مجله اربانس (جلد پنجم، شماره نخستین، ص ۴۶ - ۲۸) بتفصیل از آنها بحث کرده اند بهمان ترتیب معرفی نمایم.

مجموعه شماره ۲۷۱۳ کتابخانه عمومی قسطنطنیه که دارای ۲۷۰ برگ میباشد و قید استنساخ آن در برگ ۱۷۹ (الف) «یونس بن عبدالله، شعبان ۶۱۵» و در برگ ۲۷۰ (ب) «یوم الخمیس، ۲۵ شعبان ۶۱۵» است حاوی سیزده کتاب است بقراریز:
۱ - از برگ ۱ (الف) تا برگ ۵۷ (الف) «کتاب الخلوۃ والتنقل فی العبادۃ و درجات العابدین» است از تألیفات ابو عبدالله الحارث بن اسد المحاسبی که بتاریخ ۱۶۵ هجری تولد یافته و در ۲۴۳ در گذشته است و یکی از علمای صوفیه و واضع اصول «محاسبه نفس» میباشد.

این کتاب اصولا حاوی بعض وصایای تصوفی و پاسخهای سؤالاتی راجع بمعرفت و استدراج و غیر آنها است و چنین آغاز میشود:

«بسم الله . الحمد لله وسلام علی عباده الذین اصطفى باب الاجتهاد والخلوة وقصر الامل

و غیر ذلك .

قال الامام ابو عبدالله الحارث بن اسد المحاسبي رضی الله عنه اعلم رحمك الله ان اهل طاعة الله قدموا بين يدي الاعمال . . . »

آخر کتاب : « . . . قال احفظ لسانك ولا تقولن الا حقا واسكت فانك اذا فعلت ذلك ادخلك في اصناف الخير والحمد لله وحده وصلى . . . » .

۲ - از برگ ۵۷ (ب) تا برگ ۶۲ (الف) « کتاب الصفات » است از تألیفات ابو سعید احمد بن عیسی الخراز از اجلة صوفیه که اصلا بغدادی بوده و بعداً بمصر رفته در آنجا معلومات تصوفی خود را پیش برده و بصحبت صوفیان بزرگی مانند ذوالنون سر سقطی و بشیر حافی رسیده و در ۲۸۶ هجری در قاهره وفات یافته است . گویند نخستین کسی از صوفیه که فنا و بقا را مورد بحث قرار داده است او است .

این کتاب رساله کوچکی است در باره اینکه عقبی را بدنیا ترجیح باید داد و چنین آغاز میشود :

« قال ابو سعید الخراز رحمه الله الحمد لله الذي خلق الخلق حين اراد كما اراد فاحسن خلقهم و تمت مشيته فيهم دعاهم الى الفهم . . . فآثر اقوام الدنيا . . . فحجب الله قلوبهم عن الآخرة . . . » .

آخر کتاب : « . . . ان هذا العلم هوف (؟) لان كثيرا من العارفين يحبون الله لانفسهم و يذكرونه بانفسهم و يريدونه لانفسهم » .

۳ - از برگ ۶۲ (ب) تا برگ ۶۴ (ب) « کتاب الضیاء » است که نیز از تألیفات خراز است و نسخه دیگری از آن معلوم نیست .

این رساله از درجات جویندگان خدا (« طالبین ») بحث میکند و برای آنان هفت درجه قائل شده است .

آغاز رساله : « الحمد لله المحتجب من الاوهام بعلوم المنفرد عن الافهام بعزته . . . يعلم ما تكنه الصدور . . . » .

۴ - از برگ ۶۴ (ب) تا برگ ۷۰ (ب) « کتاب الكشف والبيان » است که نیز از تألیفات خراز است و نسخه دیگری از آن سراغ ندارم و از این بحث میکنند که مقام انبیا بالاتر است یا مقام اولیا ؟ و بالاخره مؤلف باین نتیجه میرسد که مقام انبیا بالا تر است و آنان در آخرت میتوانند شفاعت کنند و برای اثبات این نتیجه علاوه بر دلائل عقلی از قصص انبیا نیز مثالهایی ذکر میکند .

آغاز : « بسم الله . رب يسر قال ابو سعید . . . الخالق للبر الصادق . . . و انار

المناهج . . . بالانبياء الذين اصطفوا . . . اما بعد فان قوما من اهل التصوف غلطوا في التمييز بين مقام الانبياء والاولياء فجمعوا مقام الاولياء ارفع من مقام الانبياء وانما ذلك سبب حجابهم عن الحقيقة . . . » .

۵ - از برگ ۷۱ (ب) تا ۷۸ (الف) « کتاب الفراغ » است . خراز در این رساله که نسخه مزبور گویا نسخه منحصر بفرد آن باشد از این بحث میکند که انسان باید جان و دل خود را بذکر خدا مشغول سازد و از ما سوی الله فارغ باشد . آغاز رساله : « قال الشيخ ابوسعید . . . اعلم ان الخلق لو اشتغلوا بانفسهم في ذكر المولى لتفرغوا عن دونهم ولوجدوا في ذكر ربهم غنية عن ذكر مادونه . . . » .
آخر رساله : « . . . فان لم يقدر ان يخرج من عيوبها فلا يعجز متأسفا وبالله التوفيق والعون » .

۶ - از برگ ۷۸ (الف) تا ۸۷ (ب) « کتاب الحقائق » است . خراز در این رساله که یگانه نسخه آن همین است بعضی تعبیرات را که در زبان شرع مصطلح است از نظر اهل معرفت یعنی متصوفه توضیح و تفسیر میکند ، مثلا شرح میدهد که معنی عقل ، « خشیه » ، تواضع ، عدل ، طاعت و امثال آنها از نظر صوفیان چیست .

آغاز : « قال ابوسعید . . . الحمد لله حمد منقلب بقلبه في رياض منته و منتزه بروحه تحت اشجار كرمه . . . اما بعد قد جمعت في كتابي هذا مسائل عن طريق الحكمة على بيان الشريعة بلسان اهل المعرفة على الاجاز والاختصار . . . وافتتحت ذلك بباب العقل . . . »
قال نور في القلب يهدى النفس الى اصول العمل . . . » .

۷ - از برگ ۸۸ (ب) تا ۱۳۳ (الف) « کتاب معیار التصوف و ماهیته » است که از سخنان ابوسعید خراز و ابو یعقوب (؟) و سهل بن عبدالله التستری متوفی در سال ۲۷۳ یا ۲۸۳ گرد آمده و حاوی بسیاری از تعریفات و توضیحات راجع بتصوف است . آغاز « سمله . ذکر ماهیة التصوف ، قوله عز وجل انا اخلصناهم بخالصة ذكرى الدار و قيل هم اهل الصفوة و ارباب الصفا . . . قال جعفر الصادق الصافي هو محمد بن عبدالله والصوفي ابو بكر الصديق لقوله من كان يعبد محمداً فان محمداً قدمات . . . » .

۸ - از برگ ۱۳۳ (ب) تا ۱۴۹ (ب) و از برگ ۲۰۹ (الف) تا ۲۲۰ (ب) « کتاب معرفة الاسرار » است . مؤلف این کتاب ابو عبدالله محمد بن علی الحکیم الترمذی است از صوفیان بزرگ خراسان که بنا بقول جامی (رك . ترجمه نفعات ،

استانبول ، ۱۲۸۹ ، ص ۱۶۹) در سال ۲۵۵ در گذشته است . این کتاب از اسرار خدا و احوال صوفیان بحث میکند، و نسخه دیگری از آن معلوم نیست .

آغاز آن : « الحمد لله الذی تفرد فی ازلیه و توحده فی دیمومته . . . ثم انا شرحنا الاحوال و الاسماء الّتی قد خفی علی بعض الناس . . . ان شعب الناظر فیہ علی طریق الصفا و یدل علی اخلاق المکارم و الوفا . . . فصل فی صفة اسرار الله . . . فی طبقات اهل الارادة . . . فی صفة . . . المرید المحقق . . . فصل فاما تمزیق الثیاب فی السماع . . . » .

انجام آن : « . . . كذلك کونه یكون فانیا و علم الله باقیا و بالله التوفیق تم کتاب معرفة الاسرار . . . من کلام الشیخ . . . ابی عبدالله . . . الترمذی . . . » .

۹- از برگ ۱۶۵ (الف) تا ۱۷۹ (الف) « کتاب شکایة اهل السنة بحکایة ما بالهم من المحنة » است . مؤلف این کتاب متصوف معروف ابو القاسم عبدالکریم بن هوازن القشیری (۳۷۶-۴۶۵) است که بعلمت اشتها از معرفتی بی نیاز میباشد . چنانکه میدانیم هنگامی که دولت سلاجقه بزرگ تشکیل مییافت مناقشاتی در علم کلام جریان داشت که وزیر عمیدالملک کندی نیز وارد آن جریان بود و این مناقشات سبب شد که اشخاصی مانند قشیری و امام الحرمین و دیگران که از علمای اهل سنت و اصولا اشعری بودند بمکه فرار نمایند و شکایتنامه قشیری در این باب است .

اگر چه نسخ خطی شکایتنامه که قشیری آنرا هنگام اقامت در مکه نوشته است کم است ولی سبکی آن را به « طبقات الشافعية الكبرى » وارد نموده و با آن طبع شده است (جلد دوم ، ص ۲۸۸ - ۲۷۶) .

آغاز آن : « بسمله . قال الاستاذ . . . القشیری الحمد لله المجمع فی بلائه . . . » .
۱۰- از برگ ۱۸۰ (ب) تا ۲۰۸ (ب) « تفسیر فاتحة الكتاب العزیز » است . از قیدی که بر روی کتاب است معلوم میشود که این کتاب از کسی است بنام ابو محمد عبدالجلیل بن موسی الانصاری . در باره این مؤلف تقریباً چیزی معلوم نیست ولی از تاریخ ۶۰۵ که در نسخه خطی یکی از تألیفات او است معلوم میشود که قبل از این تاریخ میزیسته است و از آن نسخه نیز بیش از این چیزی در باره ترجمه حالش معلوم نمیشود . این رساله که نسخه دیگری از آن برای من معلوم نیست تفسیر موجزی است از سوره فاتحه .

آغاز : « بسمله اعلم ان الله تبارک و تعالی ينزل باسمه الرحمن الرحيم الي عباده ليجذبهم اليه برسله و کتبه . . . » .

انجام : « و تبری من العون بالمخلوقات فافهم فهمنا الله وایاکم بمنه . . . » .

در کنار : « قوبل حسب الطاقة علی الاصل » .

۱۱ - از برگ ۲۲۰ (الف) تا ۲۲۶ (الف) « کتاب صفة القلوب » است که

تألیف حکیم ترمذی میباشد و نسخه دیگری از آن برای من معلوم نیست . این کتاب ماهیت تصوفی قلب را تشریح میکند و چنین آغاز میشود :

« بسمه کتاب صفة القلوب قال الشيخ ابو عبدالله الترمذی رحمه الله الفؤاد اول

مدينة من مداین النور و النور سبع مداین اولها الفؤاد ثم الضمیر ثم الغلاف ثم القلب ثم الشفاف ثم الحبة ثم اللباب . . . » .

۱۲ - از برگ ۲۲۶ (ب) تا ۲۳۲ (ب) « کتاب السماع » است از قشیری و نسخه

دیگری از آن سراغ ندارم و از سماع و احکام آن بحث میکند و چنین آغاز میشود :

« الحمد لله خالق الارواح لكشف . . . هذه فصول يخبر عن حقيقة السماع واحكامه

وامارات صحته و اعلامه ذکرنا علی حدالاختصار . . . » .

۱۳ - از برگ ۲۳۲ (ب) تا ۲۷۰ (ب) « کتاب ادب المرید » است .

از این کتاب که تألیف ابوالقاسم الحسین بن جعفر بن محمد الواعظ الوزان از متصوفین

قرن پنجم هجری است نسخه دیگری در استانبول در کتابخانه ایاصوفیا موجود است .

آغاز : « قال الحمد لله الذی خلقنا فاکمل خلقنا وادبنا فاحسن تادیبنا . . . » .

۱۴ - کتاب شماره ۲۲۹۸ « کتاب الهیئة » است دارای ۴۴ برگ بسامد

۱۲ × ۱۹/۵ سانتیمتر مربع و هر صفحه ای دارای ۱۷ سطر بخط نسخ درشت . مؤلف

این کتاب ابوعلی الحسن بن الحسن بن الهیثم متوفی در سال ۴۳۰ است که از دانشمندان

بزرگ قرون وسطی بوده و نزد اروپائیان به « الحزن » شهرت داشته است .

از این کتاب تا کنون فقط نسخه ای معلوم بود که در India Office بشماره

734/15 مقید و مربوط بقرن دهم هجری است (ر ک . O. Loth, A Catalogue of

Arabic Manuscripts in the India Office, London, 1877, s. 213) .

این نسخه دارای ۱۵ برگ است بابعاد ۱۱ × ۴/۵ اینچ و در هر صفحه ای ۲۳ سطر است

بنا بر این اگر خطش خیلی ریز نباشد حتی از نسخه قسطنطنیه هم که بسیاری از اوراق

آن محققاً افتاده است باید ناقصتر باشد . پس نسخه قسطنطنیه تنها از لحاظ قدمت

بلکه از این حیث هم که افتادگی کم دارد شایان اهمیت است .

قید استنساخ . « تم القول و الحمد لله . . . و كتب هذا الكتاب من النسخة التي نسخ (!) من نسخة الشيخ ابي القسم السمساطي بخطه ذكرانه نقلها من نسخة بخط مصنف الكتاب الشيخ ابي علي الحسن بن الحسن بن الهيثم و قابل عليها من اولها الى آخرها في رجب من سنة ست و سبعين و اربعمائة ».

در زیر نوشته شده است :

« و النسخة المكتوب منه هذه النسخة عورض بهذه النسخة الاصل المذكور و هو بخط الشيخ ابي علي بن الهيثم و صحح و الحمد لله و كتب في رجب من السنة المذكورة » .
آغاز : « بسم الله . . . قول الشيخ الفاضل ابي علي . . . ابن الهيثم في هيئة العالم لم يزل كثير من اصحاب التعاليم ممن انعم النظر في علم الهيئة . . . يجرّدون قولاً مرسلًا . . . فنحن قائلون في هيئة العالم قولاً يشتمل فيما نظن على كليات المعاني التي اليها انتهى ادراك الباحثين على حقائق العلوم التعليمية » .

۱۵ - « كتاب العرائد و القلائد » بشماره ۷۷۴ و دارای ۷۸ برگ بابعاد ۱۵/۹ × ۱۷/۵ سانتیمتر مربع و هر صفحه ای دارای ۱۰ سطر بخط نسخ نفیس و معرب . این کتاب که عموماً آنرا با ابو الحسن محمد بن الحسن (یا الحسن) الاهوازی از رجال قرن چهارم هجری و گاهی به ثعالبی و گاهی هم بر شیدالدین و طواض نسبت میدهند در نسخه قسطنونی به ابو الحسن احمد بن محمد بن الحسن الاهوازی نسبت داده شده است که پسر همان محمد بن الحسن (یا الحسن) باید باشد .
چنین شروع میشود : « الحمد لله العلی الكبير القوی القدير العليم الخبير السميع البصير . . . » .

و قید استنساخ آن چنین است : « علی بن جعفر بن اسد بن علی الجوهري الکاتب ، دمشق ، رجب ۵۶۴ » .

۱۶ - کتاب « اسماء الله و صفاته » بشماره ۲۱۰ و دارای ۳۹۱ برگ . مؤلف آن ابو بکر احمد بن الحسن البیهقی است از محدثین بزرگ شافعی که سال ۳۸۴ هجری در خسرو جرد نزدیک بیهق تولد یافته و برای فرا گرفتن احادیث بغداد و مکه و خراسان و عراق و حجاز و جبال مسافرت نموده و بسال ۴۵۸ در نیشابور در گذشته است .

این کتاب در باره اسماء حسنی و صفات خدا است که با استناد قرآن و حدیث و اجماع امت نوشته شده و نسخ خطی آن بسیار کمیاب است. یک مرتبه در سال ۱۳۱۳ در الله آباد و بار دیگر بسال ۱۳۵۸ با مقدمه و حواشی مختصر محمد زاهد کوثری در قاهره انتشار یافته است. نسخه قسطنونی در سال ۵۵۶ استنساخ شده است و بنا بقید سماعی که در اول کتاب است این نسخه از الحافظ ابوالقاسم علی بن الحسن بن هبة الله الشافعی یعنی از مورخ و محدث مشهور ابن عساکر روایت میشود، و چون این شیخ در سال ۵۷۱ در گذشته است بنا بر این این نسخه باید همان باشد که پیش نامبرده خوانده و از او روایت کرده اند. بدیهی است که اگر کسی بخواهد از نو بنشر انتقادی این کتاب مهم اقدام نماید باید باین نسخه قسطنونی استناد کند.

قید روایت و آغاز کتاب: «حدثنا الشيخ الامام الثقة الحافظ ابوالقاسم علی بن الحسن بن هبة الله الشافعی قال قرأت علی الشيخ ابی الحسن عبیدالله بن ابی عبدالله محمد بن ابی بکر احمد بن الحسن بن علی البیهقی قراءة علیه فاقربه ثم اخبرنا الشيخ . . . ابو عبدالله محمد بن الفضل بن احمد بن محمد الفراوی الواعظ الفقیه قراءة علیه بنیسا بور قال اخبرنا الشيخ الامام الحافظ ابوبکر احمد بن الحسن بن علی البیهقی رحمة الله علیه قراءة علیه فی شعبان سنة تسع واربعم واربعمائة .»

قال کتاب اسماء الله . . . باب اثبات اسماء الله تعالی ذکره بدلالة الكتاب و السنة و اجماع الامة . . .»

مجموعه شماره ۱۲۷ که دارای ۱۴۳ برگ میباشد حاوی شش کتاب است بقرار

زیر:

۱۷ - اول از برگ ۱ (الف) تا برگ ۷ (ب) « کتاب الجواهر » است که از

تالیفات ابو حامد محمد بن محمد غزالی متوفی در ۵۰۵ میباشد. از اول این نسخه چند برگ افتاده است.

۱۸ - دوم از برگ ۸ (ب) تا ۷۰ (الف) « کتاب الاربعین فی اصول الدین » است

که از تالیفات معروف غزالی است.

۱۹ - سوم از برگ ۷۱ (ب) تا ۷۸ (ب) « کتاب قواصم الباطنية » است که

نیز از تالیفات غزالی میباشد. چنانکه میدانیم غزالی با هر مذهبی که مخالف مذهب تسنن بود و از جمله با مذهب باطنیه مخالفت سختی داشت. از کتابهایی که غزالی در این باب نوشته است تا کنون فقط « المستظهری » در دست بود که از آن هم نسخه ناقصی

انتشار یافته بود، « کتاب قواصم الباطنية » نیز از این قبیل کتابها است که غزالی برشته
تجربیر در آورده است و چون وجود آن قبلاً معلوم بود بنا بر این در صحت آن هم جای
شبهه و تردید نیست .

« قواصم الباطنية » یک رساله هفت برگی است و چنانکه خود مؤلف اظهار میکند
آنرا بخواش یکی که از وی نام نمیرد نوشته و در آنجا مطالبی را که در « المستظهری »
بتفصیل شرح داده است بطور اجمال بیان میکند و میگوید :

« و ابتدأت بتوفیق الله لا سماعك الى ما التمسته من كلمات وجيزة جلية يقصم ظهور
الباطنية و يستأصل دابر اباطيلهم . . . يستغنى ايجازها عما طولناه به النفس فى الكتاب
الملقب بالمستظهرى . . . » .

پس از این مقدمه کوتاه بلا فاصله وارد موضوع میشود و افکار باطنیه را چهار
بخش کرده بطلان هر بخشی را جداگانه با دلایل منطقی اثبات میکند .

اول رساله : « استوفى الله الذى لم يلد بي اياه مخلص الاعصمه ولم يتمرد عن عبوديته
جبار الاقصمه . . . و ابتدأت . . . » .

آخر آن : « . . . فان جازلك ان تعرف بنظر العقل صدقه و ان كان ذلك مخالف
جازلى ايضاً ان اعرف هذه المسائل نور معلم و ان كان لى فيها خلاف » .

۲۰ - چهارم از برگ ۷۹ (ب) تا ۹۶ (ب) کتاب « المنقذ عن الضلال » است
که از تألیفات غزالی میباشد و در ماه ذی القعدة ۵۴۳ هجری استنساخ شده است .

۲۱ - پنجم از برگ ۹۷ (ب) تا ۱۲۵ (ب) « القسطاس المستقيم » است که نیز
از تألیفات غزالی است و تاریخ استنساخ آن بوم الاحد ۲۶ محرم ۵۴۴ است و در حاشیه
قید مقابله نیز دارد .

۲۲ - ششم از برگ ۱۲۶ (ب) تا ۱۴۳ (ب) کتاب « الجوامع العوام عن علم
الكلام » است که آن هم از تألیفات غزالی میباشد .
(بقیه دارد)